

عنصر اتحاد از منظر قرآن

سید مجتبی نریمانی
عضو حلقه تبلیغی ادب و هنر حوزه، شاخه سینما

قطره‌ای کز بحر وحدت شد سفیر هفت بحر آن قطره را باشد اسیر^۱
ارائه شود و به این پرسش پاسخ داده شود که چرا در دنیای کنونی، مسلمانان به چنین وضعیتی دچار شده‌اند؟ قرآن، علت اصلی این موضوع را اختلاف و عدم اتحاد می‌داند. نویسنده در پی آن است تا ابتدا ضرورت اتحاد و وجوب این امر را برای حفظ اسلام تبیین کند. سپس به علل عدم اعتنا به اتحاد از سوی مسلمانان اشاره و در پایان، راهکارهایی از قرآن کریم برای فاصله گرفتن از این اختلافات ارائه کند.

کلید واژگان: اتحاد، تفرقه، قرآن، وحدت جهان اسلام، مسلمانان، ضعف مسلمانان.

مقدمه

از آنجا که امروز، در اقصی نقاط جهان، شاهد تجاوز از سوی دشمنان و گاه بعضی فرق مسلمان به حقوق نامسلمان هستیم، شاید این پرسشها به ذهن متبادر شود که چرا باید پیروان کاملترین دین الهی در کشورهای مسلمان‌نشین، این‌گونه، از امنیت محروم باشند، در حالی که یک ششم جمعیت کره خاکی را تشکیل می‌دهند. چرا باید به پیامبر مسلمانان اهانت شود؟ آیا اصلاً راهی برای خروج از این بحران هست؟ آیا امیدی باقی مانده است؟ ما که مدعی داشتن کاملترین دین هستیم و باور داریم که

۱. جلال الدین بلخی، مثنوی معنوی، دفتر دوم، ص ۲۴۷.

اسلام، راه زندگی و سعادت را نشان می‌دهد و دستوراتش همیشه نو و مطابق زمان است؛ آیا راهی برای رفع این معضل مهم مسلمانان را دارد؟ اگر چنین راهی وجود دارد، علت عمل نکردن به آن چیست؟ و...

در جواب این گونه پرسشها باید گفت: آری، راه نجات از این مشکلات وجود دارد و آن، تمسک به آیات و روایات است که ما را از سردرگمی بیرون می‌آورد. از دیدگاه قرآن و روایات، راه رهایی چیزی به جز اتحاد نیست.

تعریف مفاهیم

۱. اتحاد یعنی پیوستن دو شیء و تبدیل شدن آن دو به یک شیء. البته این پیوستن و یکی شدن همیشه مجازی است؛ یعنی اگرچه در واقع یکی نشده‌اند، در ظاهر به هم پیوسته‌اند و از هم جدایی ندارند.^۱

۲. وحدت یعنی یکی شدن حقیقی.^۲

۳. تفرقه یعنی گسستگی و جدایی.^۳

با این مقدمه، روشن شد که بحث ما دربارهٔ اتحاد است نه وحدت؛ چون وحدت مرحله‌ای بالاتر از اتحاد است و ما هنوز در اتحاد مانده‌ایم، چه رسد به ایده‌آل اسلام؛ که همان یکی شدن حقیقی تمامی عقاید و حرفها است و تنها با ظهور منجی عالم بشریت محقق می‌شود.^۴

مقدمهٔ دوم این‌که، اتحادی که از آن دم می‌زنیم، به علت در اقلیت بودن شیعه نیست، بلکه همان‌طور که در آیات شریفه آمده است، فلسفه و هدف از ارسال رسل و انزال کتب، تنها رسیدن به وحدت کلمه و از بین رفتن اختلافات است. شایان ذکر است که رهبران شیعیان مانند امیرمؤمنان علیه السلام پس از این‌که دیدند گرفتن این حق، باعث فروپاشی اتحاد مسلمانان می‌شود و دین از بین می‌رود، از حق مسلم خود گذشتند و سالها صبر پیشه کردند و اگرچه در بسیاری موارد که مردم در شبهات مخالفان می‌ماندند، حضرت به رفع اشکال پرداخته و مسلمانان را از فیض وجود خود

۱. والاتحاد: صیرورة الشیئین الموجودین شیئاً واحداً، و هو حقیقی و مجازی فالحقیقی منه ما کان بلا زیاده و لا نقصان و هو ممتنع فی نفسه و المجازی صیرورتهما شیئاً آخر بکون و فساد و هو من عوارض الاجسام (فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ماده «و.ح.د»).

۲. همان.

۳. همان.

۴. البته لازم به ذکر است که انسجام (هماهنگی) مرحله‌ای پایین‌تر از اتحاد است و آنچه از قرآن به دست می‌آید، اتحاد است که انسجام را به طریق اولی در برمی‌گیرد.

بهره‌مند می‌کردند. پیروان و شیعیان علوی نیز همیشه در طی زمان، به این اصل توجه داشته، و هیچ‌گاه منافع شخصی خود را بر دین اسلام ترجیح نداده و در دوران زمامداری خود دست به کاری نزده‌اند که باعث فروپاشی اسلام شود. همان‌طور که در تاریخ دیده‌ایم و امروزه نیز شاهدیم، در کشور شیعی ایران، اهل سنت، با این که در اقلیت هستند، آزادانه اعمال مذهبی خود را انجام می‌دهند، صاحب مسجدهای متعدد هستند و حتی از سوی حوزه‌های علمیه شیعه تحت پوشش قرار دارند و از حمایت‌های مالی شیعیان نیز برخوردارند.

این مقدمه ثابت می‌کند که موضع شیعه برای اتحاد، صرف یک ادعا نیست، بلکه به آن عمل نیز می‌کند. امید است با درایتی که در این چند سال با طرح بحث اتحاد صورت گرفته و نام‌گذاری این سال به اتحاد ملی و انسجام اسلامی، مسلمانان هر چه بیشتر به این اصل مهم اسلامی عمل کنند.

تمسک به قرآن

عَلَّتْ تَمَسَّكُ بِهٖ كَلَامُ خَدَاوَنَدِ مَتَعَالِ دَرِ قُرْآنِ كَرِیْمِ اَزْآنِ رُو اَسْتُ كِهٖ مَقْبُولِ تَمَامِ فَرْقِ اِسْلَامِی اَسْتُ. هَمَّةٔ مُسْلِمَانَانِ قَبُولِ دَارَنْدِ كِهٖ نَزُولِ قُرْآنِ بَرای اِرَائَةُ قَانُونِ زَنْدَگِیِ اَسْتُ. بَرخی اَزْ آیَاتِ قُرْآنِ دَرِ اِینْ بَارِهٖ عِبَارَتِ اَسْتُ اَزْ:

۱. ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾؛ «همگی به رشتهٔ دین خدا چنگ زنید و

به راه‌های متفرق نروید».

فیض کاشانی می‌گوید: در سلسلهٔ سند تفسیر این آیهٔ شریفه، از ابوجارود آمده است که حضرت به ابوجارود گفتند: خداوند تبارک و تعالی به این که مسلمانان بعد از پیامبر ﷺ دست به تفرقه می‌زنند علم داشت و آنها را از این که مبدا تفرقه بین آنها بیفتد نهی کرد^۱. این آیه حرف‌های بسیاری را در خود دارد که با کمی تأمل در مورد آیه و در کنار آن، تمسک به این روایت شریفه می‌توان به کنه آیه و دستور الهی آن پی برد. بیان مقدمه‌ای در این قسمت از مقاله برای فهم بهتر آیهٔ شریفه نیاز است. نخست آن که در ابتدای آیه، صیغهٔ امر آمده و امر، بنا بر نظر اکثر علما بر وجوب دلالت دارد^۲

۱. آل عمران/۱۰۳.

۲. فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۱، ص ۳۶۶؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۸؛ «وفی روایة اَبی الجارود عن اَبی جعفر علیه السلام فی قوله (ولا تفرقوا) قال إن الله تبارک و تعالی علم أنهم سیفترقون بعد نبیهم و یختلفون فنہامهم عن التفرق کما نهی من کان قبلهم فامرهم ان یجتمعوا علی ولایة آل محمد: ولا یتفرقوا» . ابوالقاسم قمی، قوانین الاصول، ص ۸۳.

و دیگر آنکه «اعتصموا» به صورت جمع آمده است و با تفسیری که امام علیه السلام کرده‌اند، این ضمیر جمع به امت نبی اکرم صلی الله علیه و آله باز می‌گردد و همه مسلمانان، تحت این آیه وارد می‌شوند. پس از این در آیه، دو تأکید دیگر می‌بینیم. تأکید نخست، آوردن واژه «جمیعاً» است که برای تأکید بیشتر بر جمع آمده است. تأکید دوم «و لا تفرقوا» است؛ چون با اینکه در ابتدا آورده است که ای مسلمانان همگی به رشته دین خدا چنگ بزنید، باز هم آورده است از تفرقه پرهیزید و از صیغه نهی استفاده کرده است که نهی نزد اصولیان، بر حرمت دلالت دارد^۱.

بنابراین، خداوند متعال به سبب علمی که به تفرقه میان مسلمانان پس از رسول الله صلی الله علیه و آله داشته، این آیه شریفه را بر پیامبر خود فرو فرستاده است که خطاب در آن، به همه مسلمانان اعم از مسلمانان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله یا پس از ایشان، است؛ زیرا آیه به صورت مطلق آمده و در آن، مسلمانان را در هر نقطه‌ای از کره خاکی، امر به اتحاد - که دال بر وجوب است - و نهی از تفرقه - که دال بر حرمت است - کرده است. بنابراین آشکار است که این آیه، از نظر دلالت بر اتحاد، بسیار قوی و خدشه‌ناپذیر است.

۲. ﴿...وَأذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾^۲؛ «بیاد آورید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف خداوند همه برادر دینی شدید، در صورتی که بر لبه پرتگاه آتش بودید و خداوند شما را نجات داد. آری، بدین مرتبه وضوح خداوند آیاتش را برای راهنمایی شما بیان می‌کند تا به سعادت دست یابید».

فیض کاشانی می‌گوید: شأن نزول این آیه، در مورد دو قوم بزرگ عرب به نام اوس و خزرج در زمان جاهلیت و قبل از ظهور اسلام است. این دو قوم، حدود ۱۲۰ سال با هم جنگ داشتند تا اینکه اسلام آمد و باعث الفت بین آنها شد^۳.

در این آیه شریفه، خداوند متعال تفرقه و اختلاف را به قرار گرفتن مسلمانان بر لبه پرتگاه آتش تشبیه کرده است. از همین تعبیر می‌توان به قیاحت اختلاف پی برد، که چگونه اختلاف میان قوم، می‌تواند آنها را بر لبه پرتگاه آتش قرار دهد. خداوند متعال

۱. سید محمد باقر صدر، معالم جدیدة للاصول، ص ۱۳۴؛ همو، دروس فی علم الاصول، ج ۱، ص ۸۲.

۲. آل عمران/۱۰۳.

۳. فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۱، ص ۳۶۶؛ محمود بن عمر زمخشری، کشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التناویل، ج ۱، ص ۴۵۱ و ۴۵۲؛ شیخ طوسی، تبیان، ج ۲، ص ۵۴۶؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۸؛ فیض کاشانی، تفسیر اصفی، ج ۱، ص ۱۶۵؛ بغوی، تفسیر بغوی، ج ۱، ص ۳۳۴؛ سمعانی، تفسیر السمعی، ج ۱، ص ۳۴۶.

راه نجات از این پرتگاه و برقراری الفت بین قلوب را دین دانسته است.^۱ بنابراین، اسلام تنها دعوت کننده به اتحاد نیست، بلکه خود، سبب اتحاد است. این موضوع که اساساً فلسفه دین برای رهایی از اختلاف است در آیات بعد نیز آمده است که در جای خود بحث خواهد شد.

۳. ﴿... فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ...﴾^۲؛ «خداوند رسولان را فرستاد... و با آنها کتاب فرستاد تا نسبت به اختلاف پیش آمده در میان مردم به عدالت حکم شود».

در این آیه، خداوند متعال فلسفه بعثت پیامبران و نزول کتاب و یا همان دین را بیان می کند. خداوند می فرماید: ما اینها را فرستاده ایم تا باعث بر طرف شدن اختلاف باشند، ولی متأسفانه بدفهمی یا کج فهمی مسلمانان باعث شده است که نتیجه عکس به دست آید و تفرقه در میان مسلمانان بروز کند و تا آنجا پیش رود که فرقه ای برای از بین بردن فرقه دیگر، دست به سوی کفار دراز کند و یا حکم قتل یکدیگر را صادر کنند. آشکار است که هیچ یک از این کارها هم سو با فلسفه وجودی برانگیختن رسل و فرستادن کتب نیست، بلکه در مقابل آن است.

۴. ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ...﴾^۳

با دقت بیشتر به این آیه شریفه و کنکاش در آن، مطالبی به دست می آید. این آیه، خبر و هشدار از سوی خداوند متعال برای مسلمانان است.

آری، امت فعلی مسلمانان، کاملترین مصداق این آیه است. خداوند چه خوب فرموده است: راه اختلاف را پیش نگیرید که قدرت و صلابت شما می رود و عظمت شما نابود خواهد شد. هم چنان که تاریخ به ما نشان داده است، ابتدا به حق مردم فلسطین تجاوز شد و با سکوت مسلمانان، اشغالگریها تا کنون به طول انجامیده است. سپس حمله به لبنان را شاهد بودیم که باز هم متأسفانه مسلمانان جز معدودی، سکوت کردند. ای کاش مسلمانان از ابتدا جلوی چنین تجاوزهایی می ایستادند تا امروز شاهد این معضلات نباشیم و مسلمانان از حداقل زندگی، یعنی امنیت و آزادی، برخوردار باشند:

من که در عالم ندارم اعتقاد گوهری بهتر بود از اتحاد
می کند یک ملتی را مضمحل اختلاف و کینه و بغض و عناد

۱. محمود بن عمر زمخشری، کشف عن حقائق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ج ۱، ص ۴۵۱ و ۴۵۲؛ فیض کاشانی، تفسیر اصفی، ج ۱، ص ۱۶۵؛ سمعانی، تفسیر السمعی، ج ۱، ص ۳۴۶.

۲. بقره ۲۱۳.

۳. انفال ۴۶.

۵. ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾؛

«و شما مسلمانان مانند مللی نباشید که پس از آن که آیات و ادله روشن برای هدایت آنها آمد باز راه تفرقه و اختلاف را پیمودند که البته برای چنین مردمانی عذاب سخت خواهد بود».

این آیه هشدار می‌دهد که تمام مسلمانان جهان که خداوند آنها را از تشبیه به یهود و نصاری بر حذر می‌دارد. چراکه یهود و نصاری به جای آن که از حجت، کتاب و دلیل آسمانی که به سوی آنان آمده، به عنوان راهی برای اتحاد استفاده کنند، راه اختلاف را پیشه کردند.^۱ در حقیقت، در این آیه، خداوند ما را به عبرت گرفتن از تاریخ دستور می‌دهد. البته این آیه از آیات دیگر در امر به اتحاد بسیار محکمتر است؛ چراکه در این آیه شریفه، خداوند برای کسانی که دست به تفرقه زده‌اند، چیزی جز عذاب اخروی وعده نداده است، بویژه با تأکیدی که خداوند متعال در آیه آورده است؛ یعنی آوردن صفت عظیم برای عذاب. دیگر اینکه در این آیه خداوند متعال، به روشنی درباره فرجام کسانی که به اختلاف می‌پردازند، می‌فرماید، خود را برای عذابی عظیم در آخرت آماده کنند.

۶. ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾ ﴿وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلَّ إِلَيْنَا رَاغِبُونَ﴾؛^۲ «اینک طریق واحد و دین یگانه شما آیین پاک اسلام است و من یکتا پروردگار آفریننده شما هستم. پس تنها مرا پرستش کنید. و امت (با این سفارش) باز در کار دین، بین خود تفرقه و اختلاف انداختند. رجوع همه به سوی ما خواهد بود».

طبرسی در تفسیر خود می‌گوید: این آیه در مورد امت اسلامی است که خداوند خطاب به آنها می‌فرماید: من شما را امت واحدی قرار داده‌ام. مراد از «واحدة» یعنی بدون اختلاف^۳ و «تقطعوا» تمثیل است از اینکه اختلاف دارند و فرقه‌فرقه و گروه‌گروه شدند.^۴ با همه این سفارشات، حضرت حق می‌فرماید: ولی باز هم از هم جدا شدید و هر کدام فرقه‌ای شدید و برای همین در روز قیامت هر کس به مقدار گناه خود، عقاب می‌شود.

۱. آل عمران/۱۰۵.

۲. شیخ طوسی، تبیان، ج ۲، ص ۵۵۰؛ محمود بن عمر زمخشری، کشاف عن حقائق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ج ۱، ص ۴۵۳؛ طبرسی، جوامع الجامع، ج ۱، ص ۳۱۵؛ ابن جریر طبری، جامع البیان، ج ۴، ص ۵۳ و ۵۴؛ ج ۷، ص ۲۹۸؛ ابولیت سمرقندی، تفسیر سمرقندی، ج ۱، ص ۲۶۱.

۳. انبیاء/۹۲ و ۹۳.

۴. ر. ک. فضل بن حسن طبرسی، جوامع الجامع، ج ۲، ص ۵۳۸؛ همو، مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۱۱؛ مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۲، ص ۳۶۸؛ ابن جریر طبری، جامع البیان، ج ۱۷، ص ۱۱۱؛ سمرقندی، تفسیر سمرقندی، ج ۲، ص ۴۴۰.

۵. فضل بن حسن طبرسی، جوامع الجامع، ج ۲، ص ۵۳۸؛ مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۲، ص ۳۶۸؛ ابن جریر طبری، جامع البیان، ج ۱۷، ص ۱۱۲.

علل اختلاف در امت اسلامی

پس از آن که آشکار شد اسلام عنصر اتحاد است و به مسلمانان دستور داده است که هر فرقه‌ای دارند، با هم متحد باشند، و از تفرقه و اختلاف پرهیز کنند و به تفرقه‌انگیزان وعده عذاب داده است. اکنون این پرسش مطرح است که اگر اتحاد به این اندازه روشن است، چرا این امر مهم در نزد مسلمانان، نه تنها به کلی فراموش و ترک شده است، بلکه از سوی انسانهای کج‌فکر و سودجو با آن مخالفت نیز می‌شود؟! در جواب می‌توان گفت: علت‌های مختلفی در کنار هم قرار گرفته تا این معضل دینی به وجود آمده است. در این مقاله سعی می‌شود علت‌های عدم توجه و طرد این اصل الهی از زبان قرآن کریم بازگو شود:

۱. آزمایش خداوند

﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لَيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ﴾؛ «و اگر خدا (به مشیت ازلی) می‌خواست همه را یک امت می‌گردانید، لیکن این را انجام نداد تا شما را به احکامی که در کتاب خود فرستاده بیازماید».

خداوند متعال علت اصلی اختلاف راه، امتحان مسلمانان دانسته است. کسانی از این امتحان سرفراز بیرون خواهند آمد که دست از تفرقه برداشته، به اتحاد روی آورند. این تنها راه خلاصی از این امتحان سخت است.

۲. پیروی از وسوسه‌های شیطان

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾؛ «ای اهل ایمان همه متفقاً نسبت به اوامر خدا در مقام تسلیم درآیید و از وساوس تفرقه‌آور شیطان پیروی نکنید که او همانا شما را دشمنی آشکار است».

در این آیه شریفه، خداوند متعال اهل تفرقه را پیروان شیطان معرفی می‌کند و اهل ایمان را از این کار منع می‌کند تا مبادا به وسوسه شیطان گوش کنند. خداوند تفرقه را کار شیطان می‌داند. شیطان‌های عصر حاضر نیز از اتحاد میان مسلمانان در رنجند و سعی در نابودی اتحاد اسلامی دارند. اینان در بزرگ جلوه دادن اختلافات کوچک مذهبی تلاش زیادی دارند و در پی اختلاف‌اندازی بین فرقه‌های مسلمانند.

البته شایان ذکر است که وسوسه‌های شیطان از مهمترین علت‌های تفرقه بین امت واحده مسلمانان است. علت‌های دیگر که ذکر خواهد شد، زیر مجموعه وسوسه‌های شیطانی است؛ زیرا شیطان برای هر کسی از راهی وارد می‌شود؛ یک عده را به این عنوان که شما بر حقیق و عده‌ای را با برتری طلبی و ...

۳. غرق در شرک بودن و خود را بر حق دانستن

﴿مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوا وَأَتُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾؛ «(شما اهل ایمان از پیروی همین دین فطرت) به درگاه خدا باز آیید و خدا ترس باشید و نماز بپادارید و هرگز از فرقه مشرکان نباشید. از آن فرقه (هواپرست نادان نباشید) که دین فطرت خود را متفرق و پراکنده ساختند و از هوای نفس و خودپرستی فرقه فرقه شدند و گروهی به اوهام باطل و عقیده و خیالات فاسد خود دلشاد بودند».

در این آیه شریفه، خداوند متعال مسلمانان را از اینکه مثل کافرانی باشند که در دینشان تفرقه انداختند، نهی می‌کند. چراکه این تفرقه‌افکنی باعث شد عده‌ای واقعاً خدا را بپرستند و عده‌ای هم آتش پرست شوند. خداوند متعال این شرک را علتی برای تفرقه بر می‌شمارد و در ادامه آیه می‌فرماید: با این که شرک باعث تفرقه بین آنها شد، برای خود توجیهی نیز داشتند و آن این بود که هر فرقه خود را بر حق می‌دید و دیگران را باطل. باید گفت، همین موضوع به این تفرقه دامن می‌زند. خود را بر حق دانستن از بزرگترین وسوسه‌های شیطانی است که امروزه در دنیای اسلام شاهد آن هستیم؛ هر کس چون خود را بر حق دانسته، دیگران را از جرگه اسلام خارج می‌داند و از سر جنگ با آنان برمی‌آید.

۴. تعدی از روی حسد و عداوت^۳

﴿وَآتَيْنَاهُمُ الْبَيِّنَاتِ مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًّا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبِّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾؛ «و نیز به آن قوم آیات و معجزات روشن در امر دین و نظم دنیا عطا نمودیم و آنها خلاف و نزاع برپانگیختند مگر آن که برایشان علم حاصل آمد آن هم از روی ظلم و تعدی به حقوق یکدیگر. البته خداوند بین نزاع و اختلافات

۱. روم/۳۱ و ۳۲.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۶۰.

۳. فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۳۵.

جائیه ۱۷.

آنها روز قیامت حکم خواهد کرد».

قرآن کریم در این آیه، علت دیگری برای اختلاف ذکر می‌کند. این علت - که به‌طور مستقیم، مربوط به مسلمانان نیست، ولی در امت اسلام هم جاری است - تعدی به حقوق دیگران از روی حسد است. درباره معنایی که برای «بغی» در تفاسیر آمده است، از این آیه می‌فهمیم که در زمان یهود اختلافی بین آنها افتاد و حق و باطل با هم مخلوط شد که با این آیه معلوم می‌شود، این اشتباه حق و باطل از روی حسد و سرکشی علمای آنها بوده است.^۱ این آیه بیشتر ناظر به علمای مسلمانی است که با علم به حقیقت ولی از روی حسد و برای منافع خود، مردم را از فهم حقیقت دور می‌سازند و ذهن آنها را به گونه‌ای شستشو می‌دهند که خالی از هر گونه پذیرش حقیقت است.

آیه دیگر چنین می‌گوید:

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾^۲؛ «همانا دین پسندیده نزد خدا آیین اسلام است و اهل کتاب در آن مخالفت نپیمودند مگر پس از آنکه به حقانیت آن آگاه شدند و این خلاف را از راه رشک و حسد (سرکشی) در میان آوردند و هر کس به آیات خداوند کافر شود، بترسد که محاسبه خدا زود خواهد بود».

در این آیه هم اشاره شده است که اسلام دین صحیح است و علمای یهود و مسیح آن را شناختند، ولی به علت وسوسه شیطان، اسیر حسد و عداوت شدند و دین حق را نپذیرفتند و خداوند متعال به این علما وعده کرده است که فکر نکنید این انکار حقیقت و تفرقه‌اندازی شما فراموش خواهد شد، بلکه خداوند متعال به سرعت به حساب شما خواهد رسید که آن وقت دیگر پیشیمانی دیر است.

به همین مضمون آیه دیگری نیز می‌گوید:

﴿وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُّرِيبٍ﴾^۳؛ «و مردم در دین راه تفرقه و اختلاف نپیمودند مگر پس از آنکه علم و برهان بر آنها آمد برای تعدی و ظلم به یکدیگر اختلاف کردند... آنان که پس از گذشتگان وارث کتاب آسمانی شدند (مانند یهود و نصاری) در آن کتاب آسمانی سخت در شک و ریب بمانند».

۱. علامه طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۱۶۶؛ ابن جریر طبری، جامع البیان، ج ۳، ص ۲۸۹؛ ج ۲۵، ص ۲۴ و ۲۵؛ سمرقندی، تفسیر السمرقندی، ج ۱، ص ۲۲۶.

۲. آل عمران ۱۹۷.
شوری ۱۴.

در این آیه مسئله حسد مطرح شده است، ولی آخر آیه به مسئله بسیار مهمی اشاره می‌کند، که بر پایه آن، این همه تأکید بر وجود اتحاد و عدم تفرقه و عذاب تفرقه‌جویان برای این است که وقتی تفرقه در دین ایجاد شد و قولهای مختلف پدید آمد، دیگر تشخیص قول صحیح برای وارثان این دین سخت و مشکل و تا حدی محال به نظر می‌رسد؛ همان‌گونه که برای یهود و نصاری همین مشکل پیش آمد. به‌گونه‌ای که مسیحیان چهار انجیل دارند و هر انجیل با انجیل دیگر تفاوت دارد، حق با باطل در هم آمیخته و معلوم نیست کدام صحیح و کدام باطل است. مسلمانان نیز باید از روزی بترسند که ریشه این تفرقه، قویتر شود و دیگر از اسلام چیزی باقی نماند و نسلهای بعدی نسبت به قرآن، این کتاب آسمانی، در شک و تردید بمانند.

۵. از روی جهل و نادانی

﴿ وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴾^۱؛ «یهود بر این دعویند که نصاری را از حق چیزی در دست نیست و نصاری بر این دعوا که یهود را. در صورتی که هر دو گروه در خواندن کتاب آسمانی یکسانند (یعنی هر دو طایفه اهل کتاب آسمانی و به خواندن از آن بهره‌مندند) این‌گونه دعوای نظیر گفتار و مجادلات کسانی است که از کتاب آسمانی بی بهره‌اند (نمی‌دانند) و خداوند در این اختلافات روز قیامت حکم خواهد فرمود».

جهل و نادانی بزرگترین عامل ایجاد تفرقه است. اصولاً جهل دو نوع است: یکی جهل مرکب و دیگری جهل بسیط. به نظر می‌رسد، مراد از جهل در اینجا جهل مرکب است؛ چون واقعاً هر فرقه‌ای نمی‌داند که اشتباه می‌کند. البته این نوع جهل در جامعه امروز مسلمانان بیشتر فراگیر عوام است؛ چون عوام به کینه دین خود زیاد آشنایی ندارند و تنها تقلیدی کورکورانه انجام می‌دهند. باید گفت وظیفه علماست که جلوی این ناهمگی مردم را بگیرند و نگذارند با جهل عوام ضربه بزرگی به پیکر اسلام بخورد که جبران‌ناپذیر باشد.

با همین مضمون این آیه می‌گوید:

﴿أُمَّتُكُمْ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ... فَتَقَطُّعُوا أَمْرَهُمْ... فَذَرَهُمْ فِي غَمَرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ﴾^۱؛ «و این مردم، همه، یک دین و متفق الکلمه هستند... آنگاه مردم امر دین خود را پاره پاره کردند و در آیین فرقه فرقه شدند... پس ای رسول ما! بگذار که این بی خبران در جهل و غفلت خود بسر برند تا هنگامی معین». در این آیه هم خداوند متعال علت این پراکندگی را جهل و نادانی معرفی کرده است.

راهکاری برای از بین بردن اختلاف و جلوگیری از آن

با مراجعه به آیات قرآن، به ضرورت اتحاد پی می‌بریم، ولی مشکل اساسی اینجاست که هر فرقه و گروهی خود را بر حق می‌بیند و فرقه دیگر را خود ساخته می‌پندارد. اکنون که در اینجا به بن بست رسیده‌ایم، تنها دستوری از خداوند متعال می‌تواند بر همگان حکم کند که آیا مسلمانان حق اختلاف دارند یا نه؟ این مطلب روشن است که خداوند در جای جای قرآن کریم مسلمانان را از تفرقه باز می‌دارد. با دقت بیشتر در آیات شریفه می‌بینیم، قرآن برای اتحاد، راهکارهایی را پیش روی مسلمانان جهان گذاشته است.

در ذیل، این راهکارها را پی می‌گیریم:

محق ندانستن خود

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿...فَأَسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾^۲؛ «پس شما به کارهای نیک سبقت بگیرید. بازگشت همه شما به سوی خداست [تا] در آنچه اختلاف می‌نمایید، حکم نماید».

در این آیه شریفه خداوند به عامل اصلی افتراق مسلمانان اشاره کرده است و آن این‌که هر کس خود را بر حق می‌داند و دیگران را فرقه‌ای جدا از اسلام می‌پندارد. بنا بر این آیه شریفه، خداوند در روز محشر، گروههایی را که با هم در دین خود اختلاف کرده بودند، جمع کرده و بین آنها حکم می‌کند.^۳

۱. مؤمنون/۵۲، ۵۳ و ۵۴.

صدق هر دو ضد ببیند در روش
گر جوابش نیست می‌پندد ستیز
هر فریقی در ره خود خوش منش
بر همسان دم تا به روز رستخیز
(جلال الدین بلخی، مثنوی معنوی، دفتر پنجم، ص ۸۷۶).

۲. مائده/۴۸؛ برای مطالعه بیشتر، رک: انعام/۱۶۴؛ نحل/۹۲؛ شوری/۱.
۳. شیخ طوسی، تبیان، ج ۳، ص ۵۴۷؛ مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۱، ص ۳۰۴.

افراط، برابر با عذاب

البته این بدان معنا نیست که مسلمانان از اعتقادات خود دست بردارند، بلکه بدان معناست که دست از جنگهای داخلی بردارند. چه اکنون برخی با فتاوی ضد اسلامی، کشتن فردی از فرقه‌ای دیگر از مسلمانان را جایز و بلکه راهی به سوی خدا می‌دانند. قطعاً همان‌گونه که در آیه ذیل آمده است، خداوند متعال چنین انسانهایی را که در عقیده خود تندروی کرده‌اند، سخت عذاب خواهد کرد:

﴿فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّسْهَدٍ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾؛ «برخی مردم از پیش خود اختلاف کردند. وای بر ایشان در روز بزرگ حضور همگانی».

این آیه به‌طور مستقیم به مسلمانان خطاب نمی‌کند، ولی باید از تاریخ سرمشق گرفت. شأن نزول این آیه درباره مسیحیان است که در مورد حضرت عیسی عليه السلام اختلاف کردند و سه دسته شدند. یک عده معتقد به الوهیت حضرت عیسی عليه السلام شدند. عده‌ای او را پسر خدا دانستند و یک عده هم به عنوان «عبدالله» حضرت را شناختند.^۱ خداوند در این آیه برای کسانی که افراط کرده‌اند، از عذاب دردناک خبر داده است.

سستی معنا ندارد

البته این‌که ما دعوت به اتحاد می‌کنیم، باید در نظر داشته باشیم که اتحاد نیز حد و مرزهایی دارد. این دعوت دلیل بر این نیست که تسامحی در امور مسلمانان ایجاد شود و هر که از هر جای زمین، به صرف مسلمان بودن، به حقوق ما تجاوز کند. برای اتحاد نباید دست از حق خود برداریم، بلکه باید این مسائل در یک محیط دیپلماتیک حل و فصل و مرزهای آن به روشنی بیان شود؛ چون این مسئله بسیار دقیق و حساس است و هیچ کوتاهی را بر نمی‌تابد. باید در اسلام راه اعتدال حفظ شود؛ همان‌طور که باید با مشکلات با آرامش برخورد شود، گاهی نیز باید با شدت برخورد شود؛ به عنوان نمونه، در قرآن هنگامی که حجت بر دشمنان تمام شده، خداوند چنین فرموده است:

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً...﴾؛ «با آنان نبرد کنید تا دیگر فتنه‌ای نباشد».

در روایات سازشکار، بدترین شخص معرفی شده^۲ و نیز از او به دشمن تعبیر شده

۱. مریم/۳۷.

۲. علامه طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۱۱۹.

۳. بقره/۱۹۲.

عبد الواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۵۷۲۵.

است! پس باید در این وادی با احتیاط بسیار، ولی قاطعانه حرکت کنیم. این نکته شایان یادآوری است که خداوند متعال در قرآن کریم خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾؛ «بگو: ای اهل کتاب بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است (و همه حق می‌دانیم) پیروی کنیم (و آن کلمه این است) که به جز خدای یکتا هیچ کس را نپرستیم و چیزی را با او شریک قرار ندهیم و برخی را به جای خدا به ربوبیت تعظیم نکنیم. پس اگر آنها از حق روی گردانند، بگوئید شما گواه باشید که ما تسلیم فرمان خداوندیم».

از این آیه شریفه، بسیاری از مطالب روشن می‌شود و آن این است که وقتی خطاب به اهل کتاب (یهود و مسیحیت) که به پیامبری بعد از حضرت موسی ﷺ و یا عیسی ﷺ معتقد نیستند و منکر پیامبر اسلام ﷺ هستند، گفته می‌شود همه اختلافات را کنار بگذارید و به یک اصل متحد رجوع کنید، آن اصل، عبادت خداوند به معنای واقعی و شریک قرار ندادن برای اوست. حال به طریق اولی این کلمه واحده باید در بین مسلمانان که در عقاید خود این همه مشترکات دارند، جاری شود.

همان‌طور که مقام معظم رهبری در سخنرانی اخیر خود اشاره کرده‌اند که درس بزرگ غدیر، مبارزه با اختلاف و تفرقه است، برای تحقق این درس مهم پیروان مذهب اسلام باید از تعرض و اهانت به مقدسات یکدیگر و تحریک مسائل حساسیت برانگیز پرهیز کنند و همان‌گونه که در پیام حج بیان شد، با هوشیاری و وحدت، برنامه استکبار را برای ایجاد تفرقه مذهبی و درگیری میان شیعه و سنی ناکام بگذارند.^۱

در ادامه آیه آمده است، حال اگر آنها نمی‌خواهند به آنچه از عقاید خود که معتقدند، عمل کنند^۲ و به کلمه واحده روی نمی‌آورند و از حق روی برگردانند، به آنها بگوئید... می‌بینیم که خداوند با آرامی و به دور از هرگونه خشونت با آنها صحبت می‌کند؛ از این رو، مسلمانان باید چنین سیره‌ای را در پیش گیرند. باید به تندروان گفت که سیره خدا و پیامبرش همان است که در قرآن آمده است. این چه بدعتی است که در دین رواج یافته است؛ از سوی فرقه‌ای، وجوب قتل یک عده مسلمان، بدون هیچ دلیلی، صادر می‌شود، در

۱. همان، حدیث ۳۸۷۶.

۲. آل عمران/۶۴.

۳. برگرفته از سخنرانی مقام معظم رهبری در روز عید غدیر، شنبه ۸ دی ماه ۱۳۸۶ ش. برابر با ۱۸ ذی الحجة ۱۴۲۸ ق.

۴. «چون مسیحیان از راه دین خود خارج شده بودند و به جای پرستش خداوند متعال به پرستش رهبانین می‌پرداختند و گفتند، عمل می‌کردند و کاری به صدق و بطلانش نداشتند» (فیض کاشانی، تفسیر الاصفی، ج ۱، ص ۱۵۴).

حالی که این رویه، مخالف نصّ صریح قرآن است. راه درست و روشن آن است که به قرآن و سیرهٔ پیامبر اکرم ﷺ بازگردیم و در راه اتحاد و وحدت جامعهٔ اسلامی گام برداریم.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. بغوی، تفسیر البغوی، دار المعرفة، بیروت.
۳. بلخی، جلال‌الدین، مثنوی معنوی، (لوح فشردهٔ مثنوی مؤسسهٔ نور).
۴. تمیمی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، مؤسسة الأعلمی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۵. زمخشری، محمود بن عمر، کشف عن حقائق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، شركة مكتبة و مطبعة مصطفى، ۱۹۶۶م.
۶. سمرقندی، ابوالیث، تفسیر السمرقندی، بیروت، دار الفکر.
۷. سمعانی، تفسیر السمعانی، دار الوطن، ریاض، ۱۹۷۰م.
۸. صدر، سید محمد باقر، دروس فی علم الاصول، دار الکتب اللبنانی، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۹. _____ معالِم جدیدة للاصول، مكتبة النجاح، چاپ دوم، تهران، ۱۹۷۵م.
۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جماعة المدرسين، قم، بی تا.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، قم، ۱۴۲۰ق.
۱۲. _____، مجمع البیان، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۱۳. طبری، ابن جریر، جامع البیان، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۱۴. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، مكتب النشر الثقافة الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
۱۵. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، التبیان، مكتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۹ق.
۱۶. فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر الأصفی، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۱۶ق.
۱۷. همو، تفسیر الصافی، مرکز النشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامیة، ۱۴۱۸ق.
۱۸. قمی، ابوالقاسم، قوانین الاصول، حجرية قديمية، مكتبة العلمية الاسلامیة، ۱۳۷۶ق.
۱۹. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، مؤسسة دار الكتاب، قم، ۱۴۰۶ق.
۲۰. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۴ق.